

ORIGINAL ARTICLE

بررسی ریشه شناختی چند اصطلاح مرتبط با پزشکی و بیماری در ایران باستان

An Etymological Survey of Some Terms Pertaining to Medicine and Diseases in Ancient Iran

Golnar Ghalekhani¹, Mohsen Mahmoudi²

1- Assistant Professor of Ancient Culture and Languages of Iran, Shiraz University, Shiraz, Iran

2- M.A. in Ancient Culture and Languages of Iran, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Golnar Ghalekhani; Departement of Linguistics, Faculty of Language and Literature of Shiraz University, Pardis-e-Eram, Eram Sq., Shiraz, Iran; golnar.ghalekhani1@gmail.com

Abstract

Avesta is the oldest written text remained and extant from Iranian old languages. It comprises of a collection of thousands of words and expressions covering almost all fields of religion and the culture of ancient human beings. With regard to what is left of Avesta, the contents of the twenty-one Nasks ("books") remained from the Sasanian period, and the documents existing in other books pertinent to the Middle era, it becomes evident that this old language must have been deemed significant from a scientific point of view in ancient times. The presence of words germane to the specific sciences of the past such as astronomy, medical sciences, law, economics and the like indicates that the Avestan had to enjoy the features and potentialities of a scientific language. This book, in addition to being a source narrating the principal beliefs of the ancient era, has common roots with ancient Indian and European cultures. The present study is aimed at getting a better understanding of the roots of some of the terms, relevant to the medical sciences mentioned in surviving texts of Avesta. First, the authors have chosen a few medical terms and some of the diseases referred to in Avesta. The lines and sections in which these terms and words are referred to in Avesta are presented with the line number and the name of the section they are taken from alongside with their translation. Moreover, the roots of the chosen words are examined from a derivational point in Avestan, Sanskrit, Latin, Indo-European and English, and their translations are given. Bearing in mind that no such research has been done so far

گلنار قلعه خانی^۱
محسن محمودی^۲

۱- استادیار رشته فرهنگ و زبانهای باستانی ایران،
دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲- کارشناس ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی ایران،
دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: گلنار قلعه خانی، میدان ارم، پردیس ارم
دانشگاه شیراز، دانشکده زبان و ادبیات، بخش زبانشناسی،
شیراز، ایران

golnar.ghalekhani1@gmail.com



in this fashion, it is hoped that the etymological analysis and dissection of these words can open a new horizon to the researchers who are interested in knowing more about the genuinely Iranian words of all the scientific areas such as Medical sciences and the sciences related to it, present in Avesta.

Key words: Etymology, Medical Sciences, Diseases, Avestan Texts, Indo-European

Received: 11 Jun 2016; Accepted: 1 Jul 2016; Online published: 5 Aug 2016

Research on History of Medicine/ 2016 Aug; 5(3): 133-142

خلاصه مقاله

اوستا، کهن ترین متن مکتوب به جای مانده از مجموعه زبانهای ایرانی باستان به شمار می رود که شامل مجموعه ای با هزاران واژه و اصطلاحات در زمینه آیین و فرهنگ ایرانیان باستان است. با توجه به آنچه از «اوستا» بر جای مانده است و گزارش های مربوط به مندرجات بیست و یک نسک اوستای دوره ساسانی و نیز گواهی های موجود در کتاب های دیگر، مشخص می گردد که این زبان کهن، از منظر علمی نیز در دنیای باستان درخور توجه بوده است. وجود لغاتی در زمینه های تخصصی علوم قدیم از جمله: نجوم، پزشکی، حقوق، اقتصاد و نظایر این ها نشان دهنده برخورداری زبان اوستایی از توانایی ها و ویژگی های یک زبان علمی است. این اثر کهن علاوه بر اینکه روایتگر بنیانهای اعتقادی دوران باستان است، بازمانده فرهنگی کهن تر است که با فرهنگ اقوام هند و اروپای باستان ریشه های مشترکی دارد. هدف از این پژوهش آشنایی با ریشه شناسی چند واژه و اصطلاح پزشکی است که در متن های اوستا و زبان های ایرانی باستان به کار رفته اند. در بررسی حاضر نخست چند واژه و اصطلاح پزشکی و نیز نام چند بیماری گوناگون از کتاب اوستا را که پزشکان و دستداران این دانش بیشتر با آن ها در ارتباطند، برگزیده شده و نیز بندهایی از متن اوستا را که این واژه ها در آن به کار رفته با ذکر نام متن و شماره بند، و هم چنین ترجمه آن آورده شده است. ریشه واژه های برگزیده را در زبان های اوستایی، سانسکریت، لاتین، هندواروپایی و غیره از نظر اشتقاقی بررسی گردیده و ترجمه آن ها در زبان های نامبرده، ارائه داده شده است. با توجه به اینکه تا کنون پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است، شناخت این واژه ها و بررسی ریشه شناختی آن ها، می تواند در آشنایی بیشتر پژوهشگران با واژه های اصیل ایرانی در زمینه های علمی دوران ایران باستان از جمله دانش پزشکی و علوم مرتبط مفید واقع گردد.

واژگان کلیدی: ریشه شناسی، پزشکی، بیماری، متون اوستایی، هندواروپایی

مقدمه

زبان اوستایی و زبان های دیگر در ایران (مانند فارسی باستان هخامنشی) و هندی باستان (سنسکریت) به همراه بیشتر زبان های اروپایی امروزی، از زبانی بسیار کهن ریشه گرفته اند که در میان زبان شناسان به زبان هندواروپایی مشهور است. اگرچه امروزه اثری از آن باقی نمانده، اما از روی شواهد زبان شناختی و مقایسه میان زبان های یاد شده، می توان به وجود آن پی برد!

متون اوستایی که مجموعه کتابهای مقدس زرتشتیان اوستا است و زبان آن نیز به همین سبب اوستایی نام گرفته، به همراه متون دینی دیگری که به زبان فارسی میانه در زمان ساسانیان نگارش یافته، مجموعه کتابهای آیین زرتشتی را تشکیل می دهد که نمایانگر آداب و فرهنگ آنان است. تألیفات زرتشتی به زبان فارسی میانه که تا این زمان محفوظ مانده تا حدی معرف متن اوستا است. در دایره المعارف دینی زرتشتیان یا «دینکرت» و در کتاب های هشتم و نهم آن، درباره بیست و یک کتاب



(نسک) که اوستای دوره ساسانی را تشکیل می‌داده سخن گفته شده است. از متن های اوستا فقط تعداد اندکی محفوظ مانده و آن بخش ناچیز اوستا که به ما رسیده به صورت قطعات و متن های بریده بریده در نسخ خطی مختلف پراکنده است. اوستا از دو جنبه حائز اهمیت است:

۱- از جهت در برداشتن تفکرات نوین آن روزگاران و به خصوص آیین مزدیسنا.
۲- تنها مدرکی است که از زبان اوستایی به جای مانده است و به همراه زبان فارسی باستان یکی از شاخه های فرعی گروه زبان های هندواروپایی را تشکیل می دهند.²

"اوستای امروز حدود یک سوم اوستای دوره ساسانی است. و اوستای دوره ساسانی آنطور که از دینکرد کتاب های ۸ و ۹ برمی آید ۲۱ نسک داشته است که در ۳ کتاب گردآوری شده بود:

۱- گاهانگ، گاهان و مطالب مربوط به آن را در برداشت؛
۲- هادگ مانسریگ (در بردارنده ی سخن ایزدی)، اذکار و اوراد را شامل می شد؛

۳- دادیگ، قوانین دین زردشتی را در برداشت.

و اوستای امروزی به بخش های زیر تقسیم می شود:

۱- یسنا: ۷۲ هات (فصل).

۲- ویسپرد: ۲۴ کرده (فصل).

۳- وندیداد: ۲۲ فرگرد (فصل).

۴- یشت: ۲۱ یشت (فصل).

۵- خرده اوستا: خلاصه ای از اوستای دوره ساسانی

زبان اوستایی را از نظر ملاحظات زبان شناسی باید دو گویش دانست: گویشی که در گاهان بکار رفته است و قدیم تر می نماید، و گویشی که در دیگر بخش های اوستا بکار رفته و جدیدتر است. گویش نخست را گویش گاهانی یا قدیم و گویش دوم را گویش جدید می نامند.³

در بخش هایی ازین متون، همچون وندیداد و یشتها که به گویش اوستایی جدید نگارش شده اند، به روایاتی اشاره شده که در آن می توان به رد پاهایی از پزشکی و نام برخی بیماری ها برخورد کرد. همچنین با توجه به اعتقادات زرتشتی، درمانگری یکی از موهبت های الهی است که خدای زرتشتیان اهورامزدا، برای مقابله با دشمن آفرینش - اهریمن - به آفریدگان خویش اعطا کرده است و در روایات باستانی، ایزدان و شخصیت های بسیاری از دانش درمانگری و پزشکی برخوردار بوده اند.

در این پژوهش چند واژه و اصطلاح پزشکی در زبان های باستانی ایران از جمله اصطلاحات زبان اوستایی در متون و روایات کهن مرتبط با پزشکی و بیماری ها، برای آگاهی و شناخت بیشتر پزشکان و علاقه مندان به فرهنگ ایران باستان، گردآوری و از نظر ریشه شناسی بررسی شده اند. امیدواریم که مورد توجه پژوهش گران گرامی، قرار گرفته و در شناخت بهتر و بیشتر این واژه ها سودمند باشد.

پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه تاکنون تحقیقی مستقل در زمینه ریشه شناسی اصطلاحات مرتبط با پزشکی در زبان های کهن ایران و متون ایران باستان انجام نگرفته است، بنابر این برای بررسی چنین مقوله ای، باید به منابع ریشه شناسی واژگان زبان های باستانی



ایران و آثار پژوهشی در حوزه متون باستانی، مراجعه نمود. همچنین با نظر به اینکه تعداد زیادی از این دسته آثار منتشر شده است و بسیاری از آنها از دید تحقیق حاضر، منابع دست دوم و دارای مطالب پراکنده محسوب می‌شوند، در اینجا تنها به تعدادی از مهمترین منابع دست اول اشاره می‌کنیم.

دارمستتر (Darmesteter 1880) در بخش وندیداد از مجموعه اوستای مولر (Müller) به ترجمه و بررسی واژگان آن اقدام نموده است. گلدنر (Geldner 1886) در سه جلد به بررسی و ترجمه کل متون اوستایی و تصحیح آنها پرداخته است که متن وندیداد و آبان یشت را نیز شامل می‌شود. بارتولومه (Bartholomae 1904) در واژه نامه ایرانی باستان خود معنی و ریشه شناسی تمام واژگان اوستایی و فارسی باستان (به زبان آلمانی) را آورده است که با وجود قدمت، تا امروز اثری معتبر و مفید به شمار می‌رود. رایشلت (Reichelt 1911) در واژه نامه خود آموز گزیده متون اوستایی، ریشه شناسی واژه ها از جمله واژه های فرگرد دوم وندیداد که شامل نام چند بیماری است، و یشت دهم و نوزدهم را منتشر نموده است. پوکورنی (Pokorny 1959) در واژه نامه ریشه شناختی زبان هندواروپایی، به ریشه واژه های اوستایی و سنسکریت و دیگر زبان های این شاخه زبانی پرداخته است که همچنان اثری ارزشمند به حساب می آید. مایرهور (Mayrhofer 1986-2001) در واژه نامه سه جلدی ریشه شناختی زبان هندی باستان (سنسکریت) تمام واژه های اوستایی مرتبط با واژه های سنسکریت و ریشه شناسی آنها را مطالعه نموده است. کلنز (Kellens 1996) در واژه نامه خود ریشه های فعلی زبان اوستایی را جمع آوری نموده است که چند ریشه مرتبط با درمان از جمله *bīšaz-* را می توان در آن یافت. چئونگ (Cheung 2007) نیز در واژه نامه خود به بررسی ریشه های فعلی زبان های ایرانی باستان، میانه و نو پرداخته است. دفان (de Vaan 2008) در واژه نامه ریشه شناختی زبان لاتین، به واژگان مرتبط اوستایی و لاتین اشاره نموده است که از نظر دقت بررسی ریشه شناسی، از جمله آثار بروز و معتبر به شمار می رود. در بررسی متون اوستایی به زبان فارسی و ریشه شناسی واژگان مورد بحث، می توان به اثر مقدم (۱۳۶۳) اشاره نمود که متن اوستایی و ترجمه پهلوی فرگرد دوم وندیداد - که روایتی از داستان جمشید است - را بررسی نموده و واژه نامه ای نیز برای آن ارائه داده است. مولایی (۱۳۹۲) آوانویسی و ترجمه آبان یشت را گردآوری کرده است که در خلال یادداشت های وی می توان از ریشه شناسی برخی واژه های مرتبط با بیماری در این متن و نظرات پژوهشگران دیگر اطلاع یافت. حسن دوست (۱۳۹۳) در واژه نامه ریشه شناختی زبان فارسی، چند واژه مورد بحث در این گفتار را نیز بررسی کرده که از نظر ریشه شناسی ارزشمند است.

روش تحقیق

این پژوهش بر پایه ی جستجوی کتابخانه ای است. نخست چند واژه و اصطلاح پزشکی برگزیده شده و معنی فارسی آنان آورده شده است. پس از ریشه شناسی و بررسی ریشه هر واژه در زبان های اوستایی، سنسکریت، یونانی، لاتین، آلمانی، انگلیسی و هندو اروپایی، در صورت امکان شواهدی از این واژه ها در متون کهن ارائه گردیده است.

واژگان

زبان علمی که برای چندین قرن تا به حال بکار می رود شامل زبان لاتین و یونانی



کلاسیک هستند که خویشاوندی نزدیکی با زبان اوستایی، فارسی باستان و نو و سنسکریت دارند و ساختار خاص دستوری آنها و واژه سازی آسان و گسترده با تعداد محدود عناصر زبانی و رسایی معنایی، سبب شده که برای چنین منظوری بکار گرفته شوند. هرچند با گذشت قرون بسیار و جدایی این زبانها، ممکن است تفاوتی از نظر معنایی و تلفظ واژگان پدید آمده باشد، اما شباهت ساختاری آنها، بویژه برای اهل فن، همچنان قابل درک است. در اینجا به بررسی واژگان مورد بحث در این گفتار پرداخته خواهد شد.

۱- بررسی واژه «بیمار»

در ابتدا به بررسی واژه بیمار می پردازیم. صورت کهن تر واژه ی امروزی «بیمار» از فارسی میانه (فارسی دوران ساسانی) *wēmār*⁴ تحول یافته و احتمالاً در اصل از صورت *mēwāwar** به دست آمده است که در اثر ادغام (haplology) به *mēwār** و سپس در اثر قاعده جابجایی صامت ها (metathesis) به *wēmār* فارسی میانه تبدیل گشته است. خود صورت میانه واژه، از ایرانی باستان *-amayavā.bara** «دردمند، بیمار» متحول شده است؛ تشکیل شده از *-amayavā** «رنج، ناخوشی» و *-bara** «برنده، دارنده» از ریشه *bar* «بردن»⁵ که در کل «دارنده رنج» معنی می دهد. معادل سنسکریت بخش نخست آن *-āmīvā* «بیماری، درد، ناخوشی» است، از ریشه *am* «فشردن، تحت فشار قرار دادن» (Mayrhofer KEWA I/43-44). از ریشه هندواروپایی *-om(ə)** «فشردن، آسیب زدن»، قس ایسلندی کهن *ama* «آزردن»، ایسلندی نو *ami* «آزار، اذیت»⁶.

۲- بررسی چند بیماری ذکر شده در متون اوستایی

در برخی متون اوستایی از جمله فرگرد ۲ و نذیداد و یشت پنجم اوستا به برخی بیماری ها اشاره شده است که در دین باستانی زرتشتی از داغ های اهریمنی (اثرات حمله اهریمن) به شمار می رفته است و افراد بیمار از ورود به ور جمشید و یا شرکت در آیین ستایش ایزد بانو آناهیتا و یا آیین های مشابه منع شده بودند. از آن جمله می توان به نام های زیر اشاره کرد:

-apa.kava به معنی «گوژپشت»، تشکیل شده از پیشوند (prefix) *apa-* «پشت، جدا، دور» و ریشه *-kava* «قوز، برآمدگی» که در فارسی نو واژه «کاو» از آن مشتق شده است. در متون فارسی میانه به *abāz.kōfag* ترجمه شده است که البته ارتباط مستقیم ریشه شناختی با صورت باستانی آن ندارد.⁷ از ریشه هندواروپایی *-keu(ə)** یا *-keuH** «خم شدن، انحنا داشتن»⁸. (در اینجا لازم به ذکر است که در ریشه های هندواروپایی تلفظ حرف *H* با *h* متفاوت است و نوعی حرف حلقی *-Laryngal* که تلفظ آن همچنان ناشناخته است به شمار می رود). *-fra.kava* «گوژسینه، کسی که در جلو قفسه سینه دارای برآمدگی غیر معمول است»، از پیشوند *-fra* «پیش، جلو» و *-kava* (نک قبل). فارسی میانه *frāz.kōfag*⁹.

*-apāvaya*¹⁰ در مورد معنی و ریشه شناسی این واژه نظریات مختلفی داده شده است، اما شاید معتبرترین آن معنی «شخص بدون نطفه، عقیم» باشد.¹¹ احتمالاً از پیشوند *-apa* «جدا، دور» و *-avaya* «تخم، نطفه، اسپرم»، که در فارسی میانه به

- 4- Mackenzie, 1986: 89.
- 5- Hassandoost, 2004: 575.
- 6- Pokorny, 1959: 778.
- 7- Bartholomae, 1904: 72.
- 8- Pokorny, 1959: 588; de Vaan, 2008: 78; Mayrhofer, 1986, Vol. 1: 43-44.
- 9- Bartholomae, 1904: 976.
- 10- Bartholomae, 1904: 80.
- 11- Razi, 1997: I/325.



صورت *xāyag* «تخم، خایه» تحول یافته و در فارسی نو به خایه تبدیل شده است، این بخش از واژه هم‌ریشه با لاتین *ōvum* به همین معنی است.¹²

*kasviš*¹³ احتمالاً بیماری مربوط به کوتاهی اندام (شاید *achondroplasia*). از ریشه ایرانی باستان **kas(4)* «کوتاه بودن، کوچک بودن، نقصان یافتن»، سنسکریت *kaśu-* «کو توله، کوتاه»¹⁴.

vī.zbāriš- به معنی «کجی، انحناء»، احتمالاً واژه به نوعی ناهنجاری مفاصل یا استخوان بندی اشاره دارد، از ریشه *zbar* «کج بودن»¹⁵. از ریشه ایرانی باستان

**zuar-* «کج رفتن، لنگیدن»، سنسکریت: *hvar* «تلو تلو خوردن، کج رفتن»، از هندواروپایی **ghuḥer* یا **ghuel* به همان معنی¹⁶.

vīmīta.dantāna-: این واژه اوستایی اشاره به نوعی بیماری دندان (پوسیدگی یا نامرتب بودن) دارد. از *vimita-* که خود تشکیل شده از پیشوند *vi-* «جدا، با

فاصله» و *mita-* صفت مفعولی گذشته از ریشه ایرانی باستان **maiH-* «صدمه

زدن، آسیب رساندن، نابود شدن، کاهش یافتن»؛ از هندواروپایی **meiH-* «کاهش یافتن». واژه فارسی نو «گم» شاید به همین بخش از واژه مربوط باشد¹⁷.

جزء دوم واژه *dantana-* «دندان»، گونه تماتیک شده (دارای *a* پایانی) از *dantan-* است. فارسی میانه و نو *dandān*، سنسکریت *dānt-* همان، لاتین *dens* و *dentis-* همان، آلمانی فرازین باستان *zand*، گوتیک *ṭunþus*

انگلیسی نو *tooth*؛ خود واژه «دندان» از هندواروپایی **H(ed)-nt-* «دندان»

مشتق شده که صفت فاعلی از ریشه **Hed-* «خوردن، جویدن» است. در انگلیسی نو *eat* و *edible* نیز به همین جا مربوط است¹⁸.

paēsa- «بیماری پوستی، پیس»¹⁹: سنسکریت *piṃśāti* «رنگ کردن، لکه

دار کردن»، لاتین *pingō* «رنگ، خال، لکه»، همه از هندواروپایی **peik-* «لکه

دار کردن، خال، تزئین کردن»²⁰. در فارسی میانه *pēs* و فارسی نو «پیس» نیز به همین معنی آمده است.

۳- واژگان اوستایی مرتبط با پزشکی و ریشه شناسی آنها

- واژه اوستایی *vī-māḍaiiaṇta-* «آنها باید اندازه بگیرند» را می‌توان از جمله واژه‌های مرتبط با پزشکی باستان به شمار آورد؛ از *vī-mad* «درمانگر، پزشک»، که معادل آن در زبان‌های دیگر هندواروپایی ازین قرار است: هندی باستان (سنسکریت) *masti-* «اندازه گرفتن، وزن کردن، تنظیم کردن»، یونانی / *médomai/ μέδομαι* «مراقبت کردن، به فکر بودن»، لاتین *meditor* «اندیشیدن، در فکر فرو رفتن»، «اندازه» *modus*، «پزشک، درمان، دارو»، آلمانی *Maß* «اندازه»، *messen* «اندازه گرفتن، تنظیم کردن»، انگلیسی (از اصل لاتین) *medicine, medical, remedy*، همگی از ریشه هندواروپایی

(1) **med-* «اندازه گرفتن، توصیه کردن، درمان کردن»²¹.

مثال از متن اوستایی:

*vasō. pascaēta. mazdaiiasna. vīmāḍasciṭ. vīmāḍaiiaṇta.*²²

- 12- de Vaan, 2008: 438.
13- Bartholomae, 1904:461.
14- Pokorny, 1959: 521; Cheung, 2007: 247.
15- Bartholomae, 1904: 1472.
16- Cheung, 2007: 475.
17- Cheung, 2007: 258.
18- de Vaan, 2008:166.
19- Bartholomae, 1904: 818.
20- Cheung, 2007:291.
21- Pokorny, 1959: 705; de Vaan, 2008: 368.
22- Vendidad 7.40a. in: Geldner, 1896, Vol. III: 52; Doostkhah, 1995: 736.



«او (پزشک تازه کار که دشمنان دین را برای آزمایش درمان کرده) پس می‌تواند به درمان مزدپرستان دست زند...».

همانگونه که ذکر گردید ریشه اوستایی mad که در فعل اوستایی *vī-mādaiaianta-* و واژه *vī-mad* دیده می‌شود، بطور مشخص اصطلاحی مرتبط با پزشکی است که مفهوم درمان از راه اندازه‌گیری و معاینه کردن را می‌رساند که این معنی به جز از شاخه ایرانی، در زبان لاتین هم حفظ شده است. این گونه روش درمانگری را می‌توان مستقیماً به روش‌های فیزیکی درمان و اندازه‌گیری علائم بالینی از جمله دمای بدن و گرفتن نبض مرتبط دانست که به روشنی، نشان دهنده قدمت طولانی آن در گذشته است که حتی به دوران هندواروپاییان (بیش از شش هزار سال پیش) نیز باز می‌گردد.

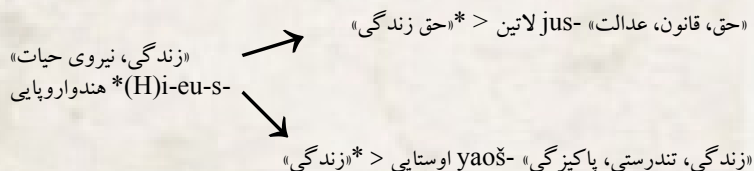
- واژه اوستایی *yaož.dā-* «تطهیر مطابق روش آیینی، پالودن، پاکسازی، سرزنده شدن» تشکیل شده است از *yaoš* «زندگی، تندرستی». معادل‌های آن در دیگر زبان‌ها چنین است: در ترکیب واژه هندی باستان *śamca.yóśca* «شادی و تندرستی» و همچنین *yós* «زندگی»، لاتین *iūs* «حق زندگی، قانون، عدالت، وظیفه»، از ریشه هندواروپایی **yus-* و صورت دیگر همان ریشه **yew(e)s-* «قانون، حق، زندگی»، انگلیسی (از اصل لاتین) *justice, just*.²³ صورت گسترده‌ای از ریشه دیگر هندواروپایی **H₂eu-(o)s* «زندگی، نیروی حیات، جان» و **Hoiu-* اوستایی *yauuaē-jī-* «زندگی جاودان»²⁴.

مثال از متن اوستایی:

yaoždātārəm. āṇḥam. dāmanam. vahištam.²⁵

«او (ایزد مهر) پاک می‌سازد بهترین آیین را برای آفریدگان».

واژه یاد شده که از دو بخش *yaoš* به معنی «زندگی، تندرستی» و ریشه *dā* «قرار دادن، نهادن» تشکیل شده، دارای مفهومی پیچیده است که به انجام آیین‌های خاص طهارت در دین زرتشتی (خصوصاً در مورد پاک سازی آتش مقدس و محل افروختن آن) اشاره دارد که بایستی دقیقاً مطابق قواعد آیینی انجام می‌گرفته است. به نظر نگارندگان این عمل نوعی پاکسازی به شمار می‌رفته است که معادل امروزی استریل کردن به شمار می‌رود. اما معادل ریشه اوستایی *yaoš* در شاخه‌های دیگر زبان‌های هندواروپایی مانند زبان لاتین، با مفهوم قانون به کار رفته که بیشتر مفهوم حقوقی دارد. شاید بتوان تحول معنایی این ریشه را بدین گونه نشان داد:



- واژه امروزی «پزشک» را می‌توان تا دوران باستان دنبال نمود. این واژه در اوستا از ریشه *biš-*، *bišaz-* «درمان کردن» به دست آمده و معادل آن در زبان‌های دیگر بدین گونه است: سنسکریت *bhiṣakti* «درمان می‌کند»،

23- Mallory, 2006: 276.
24- de Vaan, 2008: 276.
25- Yasht 10.92n. in: Geldner, 1896, Vol. II: 145; Gershevitch, 1967: 119.



«bhišaj-» «پزشک، جادوگر»، ارمنی bay و ban «واژه، سخن، علت، قضاوت»، یونانی φημι/fēmi/ «سخن گفتن» و φάμα/fāmā/ «آشکار ساختن، فریاد زدن»، لاتین «گزارش، سخن گفتن»، هندواروپایی bhā- (*b^heh₂-) «سخن گفتن، ورد خواندن»²⁶. فارسی میانه تُرفانی bišaz «درمان کردن»، «پزشک»، پارتی bizešk, سُغدی Byc همان معنی، ارمنی (از اصل ایرانی) bžišk همان²⁷.

مثال از متن اوستایی:

paitiārənō. imāṃ. daēṇaṃ. yaṃ. āhūirīm. zaraθuštrīm.
para. baēšaza. hacaite.²⁸

«(ایزد تیشتر) از دشمن این دین اهورایی زرتشتی، درمان را برمی گیرد.»

گسترده‌گی کاربرد واژه باستانی «پزشک» و تشابه آن در تمام شاخه‌های زبان‌های ایرانی از باستان تا کنون نشانگر قدمت این حرفه نزد ایرانیان باستان بوده است. اما بررسی ریشه‌شناختی این واژه نشان می‌دهد که در کنار روش‌های درمانی فیزیکی، درمان با روش‌های کلامی و خواندن اوراد مرتبط به جادو نیز اهمیت بسیاری داشته که آن را به جادوگری در پزشکی باستان مرتبط می‌سازد. شاید کار اصلی پزشک در دوره باستان را بتوان نوعی روان‌درمانی با اعمال جادویی و القاء روانی به بیمار به شمار آورد. تحول معنایی ریشه هندواروپایی تا دوران اوستایی را می‌توان بدین صورت فرض نمود:

«درمان کردن»-biš- اوستایی > «ورد خواندن»؟ > «سخن گفتن»-s- (*b^he(h₂)-s) هندواروپایی

- امروزه واژه ویروس در علم پزشکی نامی آشناست که در زبان‌های هندوایرانی و هندواروپایی نیز معادل‌هایی دارد: واژه اوستایی -viš- «زهر، سم»، فارسی میانه bīš «زهر» از ایرانی باستان -viša- * «زهر»، سنسکریت -viṣā- همان، لاتین vīrus «زهر» (از لاتین باستان *vīsus)، فرانسه و انگلیسی virus (از اصل لاتین)، هندواروپایی -uīso- * «زهر»، از ریشه -ueis- * «جاری شدن، آب شدن». این واژه در زبان‌های بلوچی به صورت giš، و در ارمنی (دخیل از فارسی) bēš «بیش و زهر» و فارسی نو به شکل «بیش»، «گش» «نوعی گیاه سمی و کشنده» همچنان کاربرد دارد.²⁹

مثال از متن اوستایی:

yim. upairi. viš. raodaṭ. xšuaēpaiia. vaēnaiia. barəšna.³⁰

«(اژدهایی) که زهرش جاری بود از دم و پوزه و پشتش...». (اشاره به نبرد گرشاسب پهلوان با اژدهای شاخدار)

واژه لاتین virus (از لاتین اولیه *visus) که امروزه در پزشکی عمدتاً به عنوان عاملی بیماری‌زا شناخته می‌شود، در دوره باستان در اصل به معنی «زهر، سم» بوده است که قدمت آشنایی و کاربرد این ماده کشنده را در میان اقوام کهن آشکار می‌سازد. این واژه در اوستا نیز به همین معنی وجود دارد و برای زهر حیواناتی چون مار نیز به کار رفته است. همانگونه که ملاحظه گردید امروزه نیز این واژه در زبان فارسی در نام نوعی گیاه به صورت «بیش» یا «گش» محفوظ

- 26- Pokorny, 1959:105.
27- Hassandoost, 2004:270.
28- Yasht 8.60 d,e,f. in: Geldner, 1896, Vol. II: 118; Panaino, 1990, Vol. I: 83.
29- Hassandoost, 2004: 229.
30- Yasht 19.40.d,e. in: Geldner, 1896, Vol. II: 248; Humbach, 1998: 39-40.



مانده است.

- واژه باستانی دیگری که در متون کهن به معنی بیماری به کار رفته *aka- ایرانی باستان است که در اوستا نیز بدان برمی‌خوریم: اوستایی -aka (صفت) «بدی، شرارت، نادرستی، آسیب». در صفت‌های تفضیلی و عالی واژه‌های اوستایی، به صورت: -acyah و -acišta. فارسی نو āk (آک) «عیب، بدبختی»³¹ از ریشه هندواروپایی -ak^w «صدمه زدن». اوستایی axtiš «درد، رنج، بیماری»، یونانی -άπ- در -άπατη/ápátē «فریب، نیرنگ»، -ιάπτω/iáptō «صدمه می‌زند»³².

مثال از متن اوستایی:

nōiṭ. axtiš. pouru.mahrkō. nōiṭ. āhitiš. daēuuō.dāta.³³
 «آن جا که ایزد مهر ساکن باشد) نه بیماری پُر مرگ و نه آلودگی دیو آفریده
 [است]»

در نهایت واژه اوستایی -axtiš «درد، بیماری، آسیب» می‌تواند از ریشه ایرانی باستان *ak «بد/بدی» به علاوه پایانه اسم و صفت ساز ti در نظر گرفته شود که در شاخه یونانی زبان‌های هندواروپایی (با π از k^w هندواروپایی) بصورت -άπ- دیده می‌شود. در نظر گرفتن ریشه هندواروپایی -ak^w برای واژه اوستایی و تحول معنایی آن از صدمه زدن به بیماری نیز منطقی به نظر می‌رسد.

نتیجه گیری

آنگونه که ملاحظه گردید، اصطلاحات مربوط به علم پزشکی دارای پیشینه‌ای کهن در متون و فرهنگ ایرانی است. در جستار بالا گزیده‌ای از واژگان مهم مرتبط با پزشکی از جمله بیماری و درمان بررسی گردید و مشاهده شد که این اصطلاحات که برخی از آنها تا کنون نیز کاربرد دارند، از چنان گستردگی و اهمیتی برخوردار بوده‌اند که در متون مقدس کهن چون اوستا نیز به کار رفته‌اند. در دین کهن ایران باستان بیماری‌ها نمودی از دشمنی اهریمن با خلقت پاک اهورامزدا و با هدف نابودی آن بود که در مقابل آن، اهورامزدا نیز روش درمان آن‌ها را از طریق ایزدان و افراد برگزیده به انسان‌ها عرضه می‌نمود. نکته‌ای که در این بحث قابل توجه است این است که معادل هم ریشه پاره‌ای از این واژه‌ها را می‌توان در زبان‌های دیگر هندواروپایی مشاهده کرد که خود بیانگر پیشینه کهن فن پزشکی حتی بیش از دوران هندوایرانی (حدود هزاره دوم قبل از میلاد) و در نتیجه تا دوران هندواروپایی (حدود هزاره هفتم قبل از میلاد) است و همچنین از ریشه شناسی این اصطلاحات می‌توان به روش‌های درمانی اعم از تلقینی و روانی و همچنین دارویی پی برد.

References

- Abolghasemi M. [Tāriḫ-e Zabān-e Fārsi]. Tehran: Samt; 2008. [in Persian]
 Bartholomae Ch. [Altiranisches Wörterbuch]. Strassburg: K. J. Trübner; 1904. [in German]
 Cheung J. *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*. Leiden-Boston: Brill; 2007.

31- Bartholomae, 1904: 44.

32- Pokorny, 1959: 23.

33- Yasht 10.50. in: Geldner, 1896, Vol. II: 136; Gershevitch, 1967: 99.



- de Vaan M. *Etymological Dictionary of Latin and the other Italic Languages*. Leiden-Boston: Brill; 2008.
- Doostkhah J. [*Avesta*]. Tehran: Morvarid Publications; 1995. [in Persian]
- Geldner K. *Avesta, The Sacred Books of Parsis*. 3 Vols. Stuttgart: W. Kohlhammer; 1886.
- Gershevitch I. *The Avestan Hymn to Mithra*. Cambridge: Cambridge University Press; 1967.
- Hassandoost M. *Etymological Glossary of Persian Language*. 5 Vols. Tehran: Farhangestan Zaban va Adab Farsi; 2014. [in Persian].
- Humbach H, Ichaporia P. [*Zamyād Yasht*]. Wiesbaden: Harrasovitz Verlag; 1998.
- Kellens J. Avestan, Compendium Linguarum Iranicarum. Edited By Schmitt R. Translated by Rezaie Baghbidi H, et al. *Ghoghnoos*. 2003; 1(2): 70 -109. [in Persian]
- Mackenzie DN. *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press; 1986.
- Mallory JP, Adams DQ. *The Oxford Introduction to Indo-European and Indo-Europeans*. Oxford: Oxford University Press; 2006.
- Mayrhofer M. [*Etymologisches Wörterbuch des Altindoarischen*]. 3 Vols. Heidelberg: Carl Winter Universitätsverlag. 1986- 2001. [in German]
- Panaino A. *Tistrya, The Avestan Hymn to Sirius*. 2 Vols. Roma: Istituto Italiano per il medio ed estremo oriente; 1990.
- Pokorny J. [*Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch*]. 2 Vols. Bern-Stuttgart: Francke; 1959. [in German]
- Razi H. [*Vendidād*]. 4 Vols. Tehran: Fekr-e Ruz; 1997. [in Persian]

